

فرا دستنی راست افراطی در اسرائیل

تصاحب کند، جنگ شش روزه نه تنها احساس غرور ایجاد نمود، بلکه در ذهن بسیاری از صهیونیستهای تندرو احساس حقانیتی خاص برانگیخت و آنها را بر آن داشت که تصور کنند این پیروزی تأییدی الهی است بر عملیات گسترش جویانه و جنگ اندازی بر سرزمینهای عربی و اشغال بیشتر آنها. این احساس حقانیت در میان گروهی که در کتاب «راست افراطی» خوانده شده اند، بانی حرکتی شد که در دو دهه ۸۰ و ۹۰ باعث تفوق و شکافی در سیاست داخلی اسرائیل گردید و بالأخره به ترور نخست وزیر وقت اسرائیل، اسحاق رابین، توسط ایگال امیر، دانشجوی رشته حقوق، در آبانماه ۱۳۷۴ منجر شد: وی در بازجویی اعلام داشت که عمل وی «حکم خدا بود و به خاطر خدا، خلق و زمین به این کار اقدام کرده است». کتاب حاضر به بررسی شکل گیری، تحول، و اندیشه راست افراطی می پردازد.

کتاب از یک مقدمه کوتاه و نه گفتار تشکیل می شود گفتار اول راست افراطی در اسرائیل را شناسایی کرده و ویژگی های اصلی آن را به عنوان یک پدیده

Ehud Sprinzak, *The Ascendance of Israel's Radical Right*, New York: Oxford University Press, 1991, xvii , Chronology and Index, 392 pages.

جنگ ژوئین ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل که «دخالت ناخوانده اسرائیل در سیر تاریخی خاورمیانه»^۱ را وارد مرحله تازه ای کرد برای منطقه خاورمیانه معانی متعددی داشت. «یک دوره از سیاست عرب به پایان رسید و مبارزه برای شکل گیری یک نظم عربی (جدید) آغاز شد.»^۲ طرفین درگیر و طرفداران آنها، هر یک، برداشت و تفسیر خاص خود را برای آن واقعه ابراز داشتند. مسلمانان تندرو آن را جزای کسانسی پنداشتند که به اسلام پشت کرده و بجای آن به مکاتب و نظریه هایی چون «قومیت عربی»

و «بعث گرایی» روی آورده بودند. در داخل اسرائیل که نیروهایش توانسته بود ارتش سه کشور مهم عرب را در شش روز شکست دهد و سرزمینهای زیادی از منطقه اعراب را

اجتماعی - فرهنگی به بحث می گذارد. می کنند و نه با گوش امونیم احساس راحتی دارند، ارزیابی می نماید. و بالأخره گفتار نهم شمایی کلی از جایگاه راست افراطی اسرائیل را در سیاست داخلی اسرائیل و تحولات ساختار سیاسی اسرائیل را نشان می دهد.

به گمان من در خصوص منطقه شناسی و بویژه در روند اسرائیل شناسی بحث از گفتار اول و پنجم برای ما در ایران از دیگر فصول مهم تر و اساسی تر است و به همین دلیل ادامه سخن را به بحث از آنها اختصاص می دهیم. گفتار اول به عنوان «راست افراطی چیست؟ سیمای سیاسی و فرهنگی» این جریان جدی در سیاست اسرائیل را معرفی می کند. سابقه راست افراطی در اسرائیل به تعداد معدودی از افراطی های راستگرا و اعضای سابق ناسیونالیستهای تندرو و ضد بریتانیایی له هی (Lehi) باز می گردد. اعضای اصلی راست افراطی اسرائیل از معتقدین راستینی که ضمناً واقعگرا و از نظر سیاسی بسیار ماهرند تشکیل می گردد. آنها کاملاً به دفاع از اندیشه بزرگ (Eretz Yisre) یا اسرائیل بزرگتر معتقدند و در جهت پیشبرد این فکر از راههای بسیار پیچیده ای

گفتار دوم سابقه تاریخی راست افراطی را قبل از ۱۹۸۴ و مکاتب متعددی که از نظر فکری در شکل گیری آنها سهیم بوده اند تحلیل می کند. گفتار سوم تأثیر جنگ شش روزه را بر فکر و عمل آنها مورد ارزیابی قرار می دهد. گفتار چهارم نشان می دهد که چگونه تحولات کمپ دیوید باعث شقاق در جریان راست افراطی گردید و تندروی خاخام میر کاهانا و تأثیر آن بر افزایش حرکت مهاجرین جدید و شهرک سازی افراط گرایانه آنها را توصیف می نماید. گفتار پنجم به تحلیل گوش امونیم (Gush Emunim) یا «گروه ایمان داران» می پردازد. گفتار ششم سه حزب کوچک تحییا (Tehiya)، تزومت (Tzomet) و موله دت (MoleDET) که طرفدار اندیشه های راست افراطی هستند و در مجلس اسرائیل راه پیدا کرده اند، را تحلیل می کند. گفتار هفتم به میراث خاخام میر کاهانا (وی در ۵ نوامبر ۱۹۹۰ در نیویورک ترور شد) را که تفسیری نادر از یهودیت می داد می پردازد. گفتار هشتم به افراد مذهبی خاصی که تحلیلهای راست افراطی از یهودیت دارند اما نه کاهانا را تأیید

بهره می‌گیرند. رهبران آنها ارتباط برقرار کنندگان و نفوذ کنندگان خوبی هستند و در صورت لزوم تظاهر کنندگان ماهر و فعالان زرنگی در خارج از پارلمان هستند. تعداد زیادی از درجه داران، دانشمندان و صهیونیستهای برجسته، که پس از وقایع جنگ شش روزه به اندیشه اسرائیل بزرگ جلب شده‌اند، از رهبران راست افراطی هستند. آنها با زبان صهیونیسم سنتی سخن می‌گویند و خود را تنها نمایندگان آن سنت می‌دانند. آنها نمادهای ملی رایج در اسرائیل از جمله مقولاتی چون اولین مهاجرت، شهرک‌سازی و دفاع را دست‌آموز اهداف خود می‌نمایند. رهبری و تعهد آنها به ورای طرفداران نزدیکشان می‌رود.» (ص ۱۴) به گمان آنها، اتفاقی که افتاده است این است که دولت اسرائیل از این نمادها دست‌کشیده است. مثلاً خاخام موشسه لوینجر (Rabbi Moshe Levinger)، اولین شهرک‌نشین گوش امونیم، می‌نویسد: «در زمانهای قدیمتر اعضای حزب کارگر در جهت شهرک‌سازی، مهاجرت، امنیت و صلح با همسایگان قدم برمی‌داشتند. امروزه

برنامه سیاسی حزب کارگر تنها بر یک هدف یعنی توافق با همسایگان متمرکز است.» (ص ۱۶) به زعم وی، اسرائیل با این طرز تلقی، در واقع، بی‌دلیل منعطف و سازشکار و در نهایت ضد صهیونیست شده است. وظیفه هر صهیونیست واقعی است که با این جریان مقابله کند.

شاید به همین دلیل باشد که اکثر اعضای این جناح در مناطق اشغالی کرانه غربی رود اردن، یا در خط اول جبهه برخورد با اعراب زندگی می‌کنند، و همین موقعیت استراتژیک خاصی به آنها می‌دهد. آنها برای نشان دادن نظرات خود به هر اقدامی دست می‌زنند. اعتراض سیاسی، شهرک‌سازی غیرمجاز، سرپیچی مدنی و در بسیاری موارد ترور از ابزارهایی بوده‌اند که افراطی‌های راست اسرائیل از ۱۹۷۳ به خدمت گرفته‌اند. به گمان آنها، صرف قدرتمند بودن اسرائیل توجیه کافی برای رفتار گسترش‌جویانه و شهرک‌سازی در سرزمینهای اشغالی به دست می‌دهد. دلیلشان این است که زمان حاضر عصر رستگاری قوم بنی اسرائیل است که در آن یهودیان «باید به سرزمینهای خود دست یابند

و به همین دلیل به وضوح خدا حامی ارتش اسرائیل است.» (ص ۱۹) اما اسرائیل از این فرصت استفاده نمی‌کند و تنها دلیل آن این است که زندگی سیاسی اسرائیل «در دست عده معدودی از چپی‌ها، صهیونیست‌های بی‌افق و سیاستمداران ضعیف و دو دل قرار گرفته است... اگر این طور نبود یهودیه و سامره به دست اسرائیل افتاده بود و پایگاه‌های سازمان آزادیبخش فلسطین در سراسر مدیترانه نابود شده بود.» (ص ۱۹).

آنها واقعه‌ای در جهان عرب زابشده در جهت منافع خود و برای تبدیل آنها به ابزاری برای پیشبرد اهدافشان اغراق آمیز جلوه می‌دهند: مثلاً بروز انتفاضه در فلسطین را، که ضرورتاً بر علیه راست افراطی اسرائیل نبود، به سلاح خوبی مبدل کردند. آنها ساختن شهرک‌ها را بشدت افزایش دادند و بدین وسیله «یک بمب ساعتی برای اسرائیل ایجاد کردند که خنثی کردن آن هر روز مشکل‌تر می‌شود.» (ص ۱۵) این گونه رفتار از مشخصات اصلی راست افراطی برمی‌خیزد و آن همانا مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیر است: ناسیونالیسم افراطی (Ultrnationalism)، نظامی‌گری

(Militarism)، قوم‌مداری (Ethnocentrism)، و دین‌گرایی (Religiosity) است.

گفتار پنجم با عنوان «سیاست، نهادها، و فرهنگ گوش امونیم»، تصویری نسبتاً جامع از گروه ایمان داران ارائه می‌دهد. گوش امونیم در حالت افراطی فعلی آن در واکنش به اولین تخلیه صحرای سینا (در نتیجه توافق ۱۹۷۸) به وجود آمد، اما در واقع در پی جنگ شش روزه از مهاجرنشینان افراطی، طرفداران میرکاهانا و به طور کلی از «معتقدین راستین» (True Believers) یهودی ایجاد شده است. سه پرسش اصلی درباره آنها قابل طرح است: ۱. مفاهیم اصلی اندیشه آنها چیست؟ ۲. درباره مسئله فلسطین چه موضعی دارند؟ ۳. راهبردهایی را که برای پیشبرد اهداف خود برگزیده‌اند کدام است؟

۱. اندیشه: حرف اصلی آنها بر مفاهیم «عصر رستگاری قوم یهود»، «اسرائیل بزرگ» و «صهیونیسم» مبتنی است. اولین مفهوم توسط رو کوک (Rav Cook) مطرح شده است. وی که در ۱۹۳۵ درگذشت پیروزی اسرائیل را در جنگ‌های شش روزه بر اعراب

ندید اما اعلامیه بالفور در ۱۹۱۷ را که به یهودیان اجازه می داد به منطقه بیابند، شاخص آغاز این عصر می دانست. طرفداران و دنباله روان ایشان پیروزی های اسرائیل در جنگ های شش روزه را تأیید و تأکیدی محکم تر بر ظهور این دوران می دانند. قوم بنی اسرائیل که طی قرون آواره بوده است بالاخره صاحب سرزمین خاص خویش گردیده است و بنابراین دوران رستگاری آغاز شده است. مثلاً خاخام حییم دروگمن (Rabbi Haim Drukman) می نویسد: «من می توانم از منابع معتبر نقل قولهای متعددی ارائه دهم که ثابت می کند ما در عصر رستگاری زندگی می کنیم، اما ترجیح می دهم این ادعا را بر مشاهدات عینی بنا کنم. پس از دو هزار سال یهودیان به وطن خود بازگشته اند. این سرزمین متروک به طور مداوم در حال ساخته شدن است. یک فرصت نادر فراهم شده است تا تبعید شدگان را گردآوریم. ما به حاکمیت و استقلالی دست یافته ایم که حتی در دوران معبد دوم هم نداشتیم. اگر این حقیقت را رستگاری ندانیم، باید بر آن چه نامی گذاشت.» (ص ۱۱۱) تمام تحولات بعدی خاورمیانه در

سایه این نگرش تفسیر می شود. همه چیز دلالت بر عصر رستگاری داشت تا شکست اسرائیل در جنگ رمضان ۱۹۷۳ که پرسشهای تازه ای طرح نمود و بر زندگی گوش امونیم تأثیر مستقیم به جای گذاشت. روند آتش بس و پس از چند سال زمزمه صلح با اعراب اعضای گوش امونیم را برآشفته. بسرعت بحث از تمایز میان رستگاری مادی و رستگاری معنوی به میان آمد. «براساس این تمایز رستگاری دربی دو دوران متوالی مادی و معنوی خواهد آمد. مرحله اول یا دوران مسیح بن یوسف در پیشرفت مادی متحقق می گردد، که به زبان طرفداران کوک وضعیت فعلی اسرائیل است دستاوردهای مادی و سیاسی فراوان با مشکلات عدیده همراه است. اما این مرحله حتماً تمام می شود و مرحله دوم که دوران مسیح بن داود است خواهد آمد که رستگاری ابدی است.» (ص ۱۱۲-۱۱۱) طرفداران صلح با اعراب که به نام صلح با شهرکسازان در کرانه باختری مخالفت می کنند تنها مرحله اول را رستگاری می دانند، و به همین دلیل در جهت تثبیت و حفظ آن هستند، در حالی که یهودی واقعی باید در پی برقراری

اراده خداوند باشد.

چنین گناहانی قرار گرفت. منطق اصلی هم این بود که در دوران رستگاری از دست دادن سرزمین از اسرائیل بزرگ همدریف پرستیدن خدایان دیگری جز خدای واحد است.

سومین مفهوم اندیشه گوش امونیم احیای صهیونیسم است. در ۱۹۷۴ در مانیفستی که آنها به چاپ رساندند چنین ادعا شده است: «هدف ما بازگرداندن درجه بالایی از بیداری در میان مردمان یهود در راه تحقق بخشیدن به رویای صهیونیستی است در تمامیت آن... منابع این رویا سنت و ریشه های آیین یهود است و هدف نهایی آن رستگاری کامل مردم یهود و کل بشریت است.» (نقل از ص ۱۱۴) این هدف با صهیونیستهای یهودی بی که به نتیجه عادی سازی روابط با اعراب رسیده اند و در راه آن اقداماتی می کنند در تضاد است. از طرفی اندیشه تحقق صهیونیسم با اندیشه دولت مدنی و قانون عرفی در اسرائیل نیز روابط نامتعادلی دارد. «به رغم گوش امونیم، شهرکسازی در سرزمینهای اسرائیل بزرگ متمایزترین فضیلت یهودی و صهیونیسم است. نه قانون و نه هیچ اصلی از اصول حکومت خوب نمی تواند با آن برابری کند.»

دومین مفهوم در اندیشه گوش امونیم آموزه تشریح مقدس فکر «اسرائیل بزرگ» است. حال که دوران رستگاری آغاز شده است، امت اسرائیل باید در سرزمینی زندگی کنند که در انجیل مقدس از آن به عنوان سرزمین این قوم یاد شده است. به همین دلیل اسرائیل بزرگ نه تنها شامل مناطق اشغالی است بلکه بسیاری مناطق را که هم اکنون جزو قلمرو کشورهای اردن، لبنان، سوریه و عراق است نیز شامل می گردد. طرفداران و متفکران گوش امونیم آمیزه تشریح مقدس به وجود آوردند که شامل «اسرائیل بزرگ، امت اسرائیل و تورات اسرائیل» می شود. اندیشه حفظ اسرائیل بزرگ بتدریج به مسئولیت دینی تبدیل گردید که در راه آن جان دادن واجب است. به طور سنتی قانون یهود از سه ممنوعیت صحبت می کند که در راه رعایت آن «یک یهودی مرگ را بر زیرپا گذاردن آنها باید ترجیح بدهد: بت پرستی، زنا با محارم و خون کسی را ریختن. از دست دادن سرزمین از اسرائیل بزرگ جزو آن نیست.» (ص ۱۱۳) براساس تفسیر خاص کوک این عمل نیز جزو

اسرائیل نشان داده اند که اقلیت نیستند.

«دشمنی اعراب نسبت به جریان صهیونیسم به دلیل دهه های متعدد خونریزی ثابت شده است و نشانه ای در جهت تقلیل آن به چشم نمی خورد.» (ص ۱۲۳) موضع سوم یعنی نابودی اعراب بر آن است که در هر دورانی گروهی در جهت نابودی بنی اسرائیل است که در آن صورت وظیفه ای برای یهودیان نمی ماند جز اینکه قبل از آنکه دشمن به آنها فائق آید بر آنها پیروز شوند. در مقاله ای که خاخام اسرائیل هس (Rabbi Israel Hess) با عنوان «کشتار دسته جمعی: حکمی از خداوند» نوشته است، می گوید: «در هر نسلی ما با کسانی روبه رو هستیم که در جهت نابودی ما هستند. در دوران حاضر این گروه اعرابی هستند که بشدت از ما متنفرند و اجازه تحقق وطن یهودی را به ما نمی دهند. اما به دلیل حساسیت موضوع و بویژه مباحث حقوق بشر که به نظر گوش امونیم نگرشی غربی است، در این خصوص کمتر صحبت می کنند. معمولاً می گویند که هدف آنها حل مسئله اعراب نیست بلکه می خواهند مشکلات یهودیان را در چارچوب تورات و قوانین آن حل و فصل کنند.» (ص ۱۲۴)

۲. در پاسخ به پرسش دوم یعنی مسئله فلسطین، گوش امونیم بر آن است که اسرائیل بزرگ براساس حکم الهی به یهود تعلق دارد و «اعراب هر کس که باشند هیچ حق جمعی براین سرزمین ندارند و اگر مسئله ای وجود داشته باشد، مقوله ای فردی بدین معنی است که فرد چگونه در چارچوب احکام یهودی زندگی کند.» (ص ۱۲۱). البته در مورد چگونگی زندگی اعراب فلسطینی در سرزمین اسرائیل یک نظر مشترک وجود ندارد. می توان از سه نگرش در این خصوص صحبت کرد: برخی حق محدودی برای فلسطینیان قائلند، برخی هیچ حقی قائل نیستند، و برخی برآنند که باید جنگ نابود کننده ای علیه فلسطینیان تا از میان برداشتن کامل آنها برپا داشت. موضع اول برآمده از انجیل است که می گوید غیر یهودیان در فلسطین از حق و حقوق نسبی برخوردارند، اما هیچ گاه از حقوقی مساوی یهودیان برخوردار نیستند. (ص ۱۲۲) موضع دوم حق اقلیت را در سرزمین اسرائیل انکار نمی کند، اما بر آن است که اعراب با دشمنی خود بر علیه

۳. در پاسخ به پرسش سوم یعنی مقوله راهبردهای عملی به مراحل متعددی که گوش امونیم پشت سر گذاشته است توجه نمود. مرحله اول زندگی گوش امونیم سالهای بین ۱۹۷۴-۱۹۶۷ است. در این مرحله فعالیت آنها به صورت فردی، غیرمتمرکز و غیرسازمان یافته است. «افراد و گروهکهای کاملاً متعهد احساس نمودند که باید اقداماتی بکنند و همین کار را هم کردند.» (ص ۱۲۵) واضح ترین و علنی ترین اقدام آنها شهرک سازی و اشغال فیزیکی مناطق اشغالی بود. در ۱۹۷۴ دوره دوم با تأسیس رسمی گوش امونیم آغاز شد. اولین اقدام، سازمان دهی فعالیت گروه بود. یک سازمان که شامل مدیریت اجرایی، ستاد فرماندهی و شورای عمومی بود به وجود آمد. از این پس دیگر شهرک سازی و اشغال فیزیکی مناطق اشغالی بود. در ۱۹۷۴ دوره تأسیس رسمی گوش امونیم آغاز گردید. اولین اقدام، سازمان سازی در حوزه اختیار یک فرد بیش از حد مشتاق و علاقه مند نبود. بتدریج سازمان هرچه گسترده تر و به صورت شبکه ای عمل می کرد. در این مرحله بود که گوش امونیم

دفتر امور شهرک سازی ایجاد نمود. از سوی دیگر بسیار زیرزمینی و حساب شده عمل می کرد. آنچه موجب گردید فعالیت گوش امونیم علنی بشود سرعت گرفتن روند صلح بویژه کمپ دیوید، از یکسو، و قدرت گرفتن حزب لیکود به رهبری مناخیم بگین، از سوی دیگر بود. گوش امونیم بخش شهرک سازی خود را به جزئی از شورای شهرک سازی یهودیه، سامریه و غزه تبدیل کرد. اما با امضای صلح در ماه مارس ۱۹۷۹ گوش امونیم اقدام به فعالیتهای افراطی تر و زیرزمینی تر نمود. هرچه روند صلح تشدید یافته است افراطی شدن گوش امونیم شدیدتر شده است.

کتاب «فرداستی راست افراطی در اسرائیل» نوشته ای خواندنی و پرمحتوی است و ظرافتهای بسیاری از سازوکار سیاست داخلی اسرائیل و تحولات آن را ارائه می کند. آخرین جملات کتاب نتیجه گیری گویایی برای بررسی حاضر نیز هست. احتمال بسیاری وجود دارد که حتی اگر راست افراطی به حاشیه سیاسی منتقل شود، باز بر وجدان جمعی اسرائیل تأثیر خود را بگذارد. حتی سالها پس از آنکه یهودیه و

سामره از دست یهودیان خارج شود، افراد دیگر دعوت خواهند نمود. (ص ۳۱۳)

فرهنگ رجایی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

یادداشتها:

۱. ماکسیم رودنسون، اسرائیل و عرب، ترجمه

ابراهیم دانانی، تهران: خوارزمی، بی تا، ۲۹۹ ص.

2. Fouad Ajami, *The Arab Predicament: Arab Political Thought and Practice Since 1967*, Cambridge University Press, 1982, p. 25.

زخم خورده ای باقی خواهند ماند که

در رویای نوبت دوم (Second Round)

و یا حق بازگشت (right of return) تازه

به سر خواهند برد. اکثریت افراد

گوش امونیم، که احتمالاً دچار یک بحران

فکری خواهند شد، دوستان خود را به صبر

برای رستگاری پس از یک جنگ شش روزه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی